

متن پرسش

سلام و آرزوی عافیت: یکی از دوستان کتاب جایگاه رزق در عالم هستی را خوانده و این سوالات برایش پیش آمده بود. بهتر دیدم سوالات را عینا به شما ارائه بدهم و امیدارم اگر صلاح می دانید پاسخ مفصل عنایت کنید. بالاخره برای همه ما دغدغه است که بسیاری از مفاهیم دینی در این فضای امروزی، چگونه باید به عرصه عمل و زندگی شخصی راه پیدا کنند: ۱. جایگاه پس انداز کردن در نظام فکری مبتنی بر این کتاب چیه؟ چون با توجه به احادیث و روایاتی که آمده اثبات شده که فرد نباید نگران روزی روز نیامده اش باشه و اساسا به دنبال اینکه روزی فردا را امروز به دست بیاره نباشه. آیا پس انداز کردن، برای اینکه انسان در آینده بخواد یه چیزی را بخره مثلا خونه بخره یا ماشین و... بر این مبنا درست هست یا نه؟ (یه جای دیگه هم حدیثی از امام علی آورده که من چیزی که پولش را ندارم نمی خرم) ۲. با توجه به سوال یک قرض گرفتن و وام گرفتن برای خرید های بزرگ که در حالت عادی انسان نمیتونه انجام بده مثل همون خونه یا ماشین چجوری میشه؟ ۳. در راستای همون دو تا سوال قبل اینکه پدر برای فرزندش بیمه عمر و پس انداز درست کنه برای اینکه در آینده که بزرگ شد یه پولی دستش را بگیره درست هست یا نه؟ و اصلا اینکه پدر همچین وظیفه ای در مورد آینده فرزندش داره یا نه؟ ۴. وظیفه ما کارمندها چیه؟ ما الان از اون مقطع انتخاب شغل گذشته ایم و خواسته یا ناخواسته یه شغلی انتخاب کرده ایم. اما برای خودمون واضح هست که شغل مون فقط وسیله کسب روزی و امرار معاش مون هست. در حالی که ایشون توی کتاب گفته اگر به شغل تون به عنوان وسیله کسب روزی نگاه کنید موجب سلب آرامش و در نهایت سوء عاقبت میشه. آیا لازمه ما در این مقطع از زندگی مون کارمون را عوض کنیم و دنبال یه کار دیگه بریم؟ ۵. بر اساس اون حدیثی که حضرت فرمودند فقط یک سوم از اوقات تون را به کار کردن و کسب روزی بپردازید، آیا اگه کسی بیشتر از این کار بکنه مصداق همون به دنبال روزی غیر مقدر شده رفتن هست که هیچ وقت هم بهش نمیرسه؟ و اساسا اون روزی ای که قرار است به آدم برسه با چه حجم از کار میرسه؟ با توجه به اینکه اگه آدم بیشتر کار کنه قاعدتا بیشتر هم در آمد کسب میکنه ولی خب از بقیه وظایف اش چه در قبال خانواده و چه در معنویات غافل میشه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در هر حال باید حرص در میان نباشد و پس انداز ما طوری دنبال نشود که چشممان را نسبت به رفع نیازهای مشخص انسانها بیندیم و از صفای نوع دوستی محروم شویم.

۲. انسان تا آنجا که ممکن است باید با آنچه دارد زندگی کند. آری! پس انداز برای ضروریات زندگی مثل تهیهی خانه در حدّ معقول، کار منطقی است. ولی تا آنجا که ممکن است به خانه‌ای قانع شود تا گرفتار وام‌های سنگین و درازمدت نگردد. ۳. نه. زیرا از توفیق خدمت به بقیه در حال حاضر محروم می‌شود مگر آن‌که واقعاً چنین نباشد. ۴. شغل ما همان بستری است که حضرت رزّاق رزق ما را در آن قرار داده است. ما طبق وظیفه کار می‌کنیم و حضرت رزّاق به حکم رزّاقیتش رزق می‌دهد. ۵. کار بیشتر برای کسب درآمدِ بیشتر اگر موجب از بین رفتن آرامش انسان و تنهایی انسان می‌گردد باید از آن احتراز کرد. موفق باشید